



Utilizing the Platform and Sub-Platform of the Common Heritage of Humanity in the Light of Maritime Knowledge and Intellectual Property Rights

Saeedeh Zeratkar Moghani¹, Seyyed Baqer Mirabbasi^{2*}, Abu Mohammad Asgarkhani², Maryam Moradi³

1. Department of International Law, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran: (Corresponding Author)

3. International Department, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Exploitation of the common heritage of humanity in the light of maritime knowledge is one of the important topics that are rarely discussed and in this paper; an attempt is made to examine how the transfer of maritime technical knowledge can be analyzed under the protection of intellectual property rights.

Method: This paper is descriptive and analytical, using the library method.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Although according to the rule of the common heritage of human beings, the exploitation and use of the existing wealth of the seas belongs to all mankind, despite the support of intellectual property for the transfer of maritime knowledge, it is not possible to exploit the common heritage of mankind for everyone, and there is a kind of conflict between the transfer of maritime technical knowledge according to intellectual property rights on the one hand and the rule of the common heritage of humanity on the other hand. This means that the transfer of maritime knowledge is the monopoly of developed countries and many of these countries cannot afford to buy and use these technologies, therefore, maritime knowledge under the protection of intellectual property rights causes the monopoly of maritime technical knowledge and thus prevents the transfer of maritime technical knowledge.

Conclusion: It is necessary to take a middle approach that in the framework of intellectual property, protection of marine knowledge is done on the basis of selective support that is different from other categories of intellectual property both in terms of time and in terms of strictness, in a way that does not completely limit the realization of the principle of the common heritage of humanity.

Keywords: Marine Knowledge; Common Heritage of Humanity; Intellectual Property; Environment

Corresponding Author: Seyyed Baqer Mirabbasi; **Email:** smirabbasi41@gmail.com

Received: August 20, 2022; **Accepted:** December 24, 2022; **Published Online:** July 14, 2023

Please cite this article as:

Zeratkar Moghani S, Mirabbasi SB, Asgarkhani AM, Moradi M. Utilizing the Platform and Sub-Platform of the Common Heritage of Humanity in the Light of Maritime Knowledge and Intellectual Property Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e13.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



بهره‌برداری از بستر و زیربستر میراث مشترک بشریت در پرتو دانش دریایی و حقوق مالکیت معنوی

سعیده زراعتکار مغانی^۱، سیدباقر میرعباسی^{۲*}، ابومحمد عسگرخانی^۳، مریم مرادی^۴

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بهره‌برداری از بستر و زیربستر میراث مشترک بشریت در پرتو دانش دریایی از موضوعات مهمی است که کمتر بدان پرداخته شده و در این مقاله تلاش شده به این مهم پرداخته شود که انتقال دانش فنی دریایی تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی چگونه قابل تحلیل است.

روش: مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: با اینکه بر اساس قاعده میراث مشترک بشریت، بهره‌برداری و استفاده از ثروت موجود دریاها متعلق به همه بشریت است، اما با وجود حمایت مالکیت معنوی از انتقال دانش دریایی امکان بهره‌برداری از میراث مشترک بشریت برای همگان وجود ندارد و نوعی تعارض میان انتقال دانش فنی دریایی مطابق حقوق مالکیت معنوی از یکسو و قاعده میراث مشترک بشریت از سوی دیگر وجود دارد، بدین معنی که انتقال دانش دریایی در انحصار کشورهای توسعه‌یافته است و بسیاری از این کشورها توان خرید و استفاده از این فناوری‌ها را ندارند، لذا دانش دریایی تحت حمایت از حقوق مالکیت فکری سبب انحصاری شدن دانش فنی دریایی و در نتیجه جلوگیری از انتقال دانش فنی دریایی می‌گردد.

نتیجه‌گیری: لازم است رویکرد میانه‌ای در پیش گرفته شود که در چارچوب مالکیت معنوی، حمایت از دانش دریایی، بر پایه حمایت‌گزینشی صورت گیرد که هم از لحاظ زمانی و هم از لحاظ سختگیری با سایر مقولات مالکیت معنوی تفاوت داشته باشد، به نحوی که تحقق اصل میراث مشترک بشریت را کامل محدود نکند.

واژگان کلیدی: دانش دریایی؛ میراث مشترک بشریت؛ مالکیت معنوی؛ محیط زیست

نویسنده مسئول: سیدباقر میرعباسی؛ پست الکترونیک: smirabbasi41@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zeratkar Moghani S, Mirabbasi SB, Asgarkhani AM, Moradi M. Utilizing the Platform and Sub-Platform of the Common Heritage of Humanity in the Light of Maritime Knowledge and Intellectual Property Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e13.

مقدمه

«میراث مشترک بشریت» یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در دهه‌های اخیر در اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها پذیرفته شده است، هرچند مفهوم میراث مشترک بشریت جدید است، اما برگرفته از اصل قدیمی «متعلق به همه» است که به موجب آن سرزمین یا ناحیه مورد بحث در تملک و تعلق عمومی همه دولت‌ها قرار می‌گیرد. استفاده از میراث مشترک بشریت برای همه دولت‌ها آزاد است و مطابق آن سرزمین یا منطقه مربوطه قابل تصاحب اختصاصی دولت‌ها و سایر اشخاص نیست. بهره‌مندی از بستر و زیربستر دریاها، نیازمند دانش فنی و دریایی خاص خود است که در اختیار همگان قرار نداشته و تحت حمایت قوانین مالکیت معنوی است (۱)، هرچند از یک منظر، تصویب قوانین مالکیت معنوی برای کشورهای در حال توسعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که به آن‌ها کمک می‌کند تا ساختار انگیزشی و چارچوب‌های نهادی لازم برای ایجاد دانش و دستیابی به فناوری را تثبیت نمایند (۲)، اما از منظر دیگر حمایت از دارایی‌های فکری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پیامدهای مخربی را متوجه کشورهای در حال توسعه می‌کند و آن‌ها را در کسب فناوری، با دشواری‌هایی اساسی مواجه می‌کند (۳). حمایت افزون‌تر از فناوری‌ها به معنای افزایش هزینه انتقال می‌باشد که طبیعی است با توان کمتر مالی کشورهای در حال توسعه، کاهش سطح انتقال را در پی دارد (۴). بر این اساس حمایت گسترده از مالکیت معنوی به معنای انتقال کمتر فناوری، از جمله فناوری دریایی است، چراکه فناوری در اختیار کشورهایی است که دارای نظام‌های مالکیت‌های فکری‌ای قوی و قوام‌یافته‌اند و همین وضعیت، آن‌ها را در موضع بالادست کشورهای قرار می‌دهد که می‌خواهند همین رویه را در حمایت از دارایی‌های فکری در پیش گیرند. چنین وضعیتی نابرابری، موضع انفعالی وضعیت کشورهای خواهان فناوری را تشدید و در نتیجه روند انتقال را پیچیده و کند و هزینه‌های استفاده از فناوری را افزایش می‌دهد (۵). در خصوص میراث مشترک بشریت تألیفات

متعددی انجام شده است: حمیدرضا جمالی در مقاله‌ای میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار داده است (۶). توکل حبیب‌زاده و فرنگیس منصورى نیز در مقاله‌ای به بررسی و بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت پرداخته‌اند (۷). همچنین احمد سهیل یوسفی و حسین زارع شعار در مقاله‌ای از میراث مشترک بشریت و منافع اقتصادی آن برای مردم کشورهای فقیر بحث کرده‌اند (۸)، اما بررسی این موضوع مورد غفلت واقع شده که با وجود حمایت از مالکیت معنوی و محدودیت در انتقال دانش دریایی چگونه می‌توان از بهره‌برداری از بستر و زیربستر میراث مشترک بشریت سخن گفت؟ با توجه به اینکه بهره‌برداری از بستر و زیربستر دریا نیازمند فناوری و دانش بالای دریایی است تحقق میراث مشترک بشریت در عمل تا چه امکان‌پذیر است؟ آیا همه دولت‌ها در پرتو قواعد گسترده مالکیت معنوی، امکان بهره‌برداری از بستر و زیربستر میراث مشترک بشریت را دارند؟ به عبارتی آیا مالکیت معنوی مرتبط به دانش دریایی سبب نمی‌شود که کشورهای دارنده دانش دریایی صرفاً امکان استفاده از میراث مشترک بشریت در بستر و زیربستر دریاها را داشته باشند و این عملاً به معنای نادیده‌گرفته‌شدن مفهوم میراث مشترک نیست؟ و آنچه میراث مشترک نامیده می‌شود، در عمل صرفاً مورد بهره‌برداری کشورهای خاص دارنده دانش دریایی قرار ندارد؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که: «استفاده از میراث مشترک بشریت برای همگان امکان‌پذیر نیست، زیرا بهره‌برداری از اعماق اقیانوس‌ها نیازمند فناوری و دانش فنی‌های پیشرفته است که در اختیار همگان قرار ندارد.» به منظور سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا میراث مشترک بشریت دریاها و سازمان مقام بین‌المللی بررسی شده، سپس از انتقال دانش دریایی به منظور بهره‌برداری از منابع دریاها بحث شده و در نهایت به بررسی محدودیت انتقال فناوری ناشی از مالکیت معنوی با اصل بهره‌برداری همگانی از میراث مشترک بشریت پرداخته شده است.

روش

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها

قوانینی در راستای حمایت و دسترسی کشورهای در حال توسعه به دانش دریایی اوضاع شده است، اما نوعی تعارض میان انتقال دانش فنی دریایی مطابق حقوق مالکیت معنوی از یکسو و قاعده میراث مشترک بشریت از سوی دیگر وجود دارد، بدین معنی که انتقال دانش دریایی در انحصار کشورهای توسعه‌یافته است و حقوق مالکیت معنوی ایجاب می‌کند که انتقال دانش دریایی بر اساس قواعد و مقررات این شاخه از حقوق و در راستای حمایت از مالکیت معنوی به متقاضیان که کشورهای در حال توسعه هستند، فروخته شود، اما بسیاری از این کشورها توان خرید و استفاده از این فناوری‌ها را ندارند، لذا دانش دریایی تحت حمایت از حقوق مالکیت فکری سبب انحصاری شدن دانش فنی دریایی و در نتیجه جلوگیری از انتقال دانش فنی دریایی می‌گردد.

بحث

۱. میراث مشترک بشریت دریاها و سازمان مقام بین‌المللی: در حقوق بین‌المللی سنتی، منابع بستر و زیربستر دریا حائز اهمیت نبود و دریاها صرفاً از لحاظ جغرافیایی برای کشور ساحلی اهمیت داشت و دولتی که دارای مرز دریایی بود، فقط می‌بایست نیروی رزمی دریایی خود را تقویت می‌کرد تا مبدا کشوری، استقلالش را به خطر اندازد. به عبارتی اهمیت دریاها بیشتر جنبه نظامی داشت، اما با پیشرفت فناوری در نیمه دوم قرن بیستم و رشد فزاینده جمعیت جهانی و فضای اقتصادی ناشی از کمبود منابع معدنی، بشر وادار شد تا در بستر و زیربستر اقیانوس‌ها نیز به دنبال منابع مواد خام باشد و با آگاهی از منابع و ذخایر غنی غذایی، معدنی و نفتی موجود در اعماق دریاها به بهره‌برداری از این منابع سرشار پرداخت (۹). علل و زمینه‌های پیدایش اصل میراث

مشترک بشریت را باید در وجود همین منابع سرشار معدنی در بستر و زیربستر دریای آزاد و برنامه کشورهای صنعتی و صاحب فناوری برای بهره‌برداری از این منابع و در عین حال عدم امکان کشورهای در حال توسعه در بهره‌برداری از این منابع دانست. وجود ذخایر سرشار در دریاها و اقیانوس‌ها موجب تحرک کشورهای صنعتی و صاحب فناوری برای بهره‌برداری از این منابع شد. از آنجایی که از دیرباز اعماق دریاها خارج از محدوده صلاحیت ملی دولت‌ها و جزء دریای آزاد محسوب می‌شد، لذا این فرصت برای کشورهای عمده صنعتی فراهم شد تا به طور یک‌طرفه این منابع را مورد بهره‌برداری قرار دهند و کشورهای در حال توسعه که فاقد فناوری و منابع لازم هستند، از این منابع بی‌بهره بمانند (۱۱-۱۰). تلاش بی‌نتیجه کشورهای در حال توسعه برای سهمیدن در منابع حاصل از این بهره‌برداری، به شکل‌گیری روندی انجامید که تلاش داشت استفاده از منابع بستر و زیربستر دریاها را نظام‌مند نماید. در واقع نیاز به توزیع عادلانه این معادن و منابع غنی و حداکثر استفاده از اصل آزادی دریاها جهت توسعه تجارت و کشتیرانی بین‌المللی موجب شد که در قرن بیستم رفته‌رفته، ضرورت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل دریاها آشکار شود، در نتیجه رویکرد مورد اشاره که بر توزیع عادلانه منابع معدنی در بستر و زیربستر اقیانوس‌ها اصرار داشت، بحث میراث مشترک بشریت شکل گرفت. در همین راستا دولت مالت در سال ۱۹۶۷ از مجمع عمومی سازمان ملل خواست که پیشنهاد راجع به اعلامیه و عهدنامه مربوط به نگهداری بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها انحصاراً، برای مقاصد صلح‌آمیز و استفاده عادلانه در دستور جلسه بیست و دومین اجلاس مجمع عمومی منظور شود. بعد از اینکه پیشنهاد مذکور در دستور جلسه مجمع منظور شد، ارویدپادو (Arvid Padu)، رییس هیأت نمایندگی کشور مالت در سازمان ملل طی نطق بسیار مفصلی که در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۷ ایراد نمود، اعلام داشت که رژیم بین‌المللی اعماق دریاها باید بر اصول نوین و منصفانه و اخلاقی استوار باشد و میراث مشترک بشریت اصلی است که چنین خصوصیتی را دارد (۱۲). در

و حفاظت از محیط زیست ناحیه حفظ شود (اصل محیط زیستی)؛ ۵- تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای اعمال قانونگذاری اداره و کنترل صلاحیت‌ها و توزیع منصفانه منافع مالی و اقتصادی (اصل ساختاری).

با تبلور و پیدایش مفهوم میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل دریاهای و تلاش کشورهای در حال توسعه در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت بازنگری کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ حقوق دریاهای و تدوین کنوانسیون‌های دربرگیرنده رویکرد جدید جامعه بین‌المللی در زمینه حقوق دریاهای باشد، فراهم شد. از این رو کنفرانس‌ها و تلاش‌های متعددی در دهه ۷۰ بدین منظور صورت گرفت که در نهایت به تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ ژنو حقوق دریاهای منجر شد که در نوع خود تحولی بس عظیم در یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق دریاهای است (۱۴). فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ به عنوان مهم‌ترین بخش آن کنوانسیون به این مسأله اختصاص یافت که نظام حقوق و ویژگی‌های را مقرر می‌دارد. مطابق این نظام حقوقی، منابع بستر و زیربستر دریاهای خارج از حاکمیت دولت‌ها به همه بشریت متعلق است (۱۵)، این امر خوشایند کشورهای دارای فناوری پیشرفته دریایی نبود، اما این کشورها نیز روش دستیابی به آن را بعداً و با قبول موافقت‌نامه اجرایی منضم به قطع‌نامه ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که تحولی در فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ و در راستای تعادل وزن منافع کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری ایجاد نمود، پذیرفتند (۱۶). به هر حال پذیرش این اصل مترقی و به ویژه وصف آن به عنوان قاعده آمره در حقوق بین‌الملل نوین می‌تواند به عنوان اهرمی در تأمین منابع جامعه بین‌المللی به ویژه کشورهای در حال توسعه و نیز در برقراری و پیشبرد نظام نوین اقتصادی بین‌المللی نقش مهمی ایفا نماید (۱۷).

با وجود اینکه کنوانسیون حقوق دریاهای، همه موضوعات مربوط به دریاهای را دربر می‌گیرد، برای تصویب از سوی کشورها، استقبال مناسبی از آن به عمل نیامد. یکی از موانع اصلی مشارکت گسترده کشورها، به خصوص کشورهای صنعتی، پیش‌بینی سازمان مقام بستر دریاهای و قوانین مربوط به آن،

واقع‌رفته‌رفته احساس شد تمامی فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع اعماق بستر دریا باید تابع رژیم بین‌المللی باشد که بر اساس یک معاهده پذیرفته‌شده بین‌المللی تأسیس شود. از این روی، در خلال مذاکرات کمیته بستر دریاهای از سال ۱۹۷۱، در کمیته اول کنفرانس سوم حقوق دریاهای به بررسی مسأله بستر دریاهای پرداخته شد. در این بین گروه ۷۷ خواستار ایجاد یک رژیم بین‌المللی شد که دارای اختیارات و وظایف تعریف شده باشد، از جمله مدیریت و اگذاری اختیار معادن در بستر و زیربستر و اینکه چنین مجوزهایی مستلزم پرداخت حق امتیاز باشد و درآمدهای به دست‌آمده از معادن بستر با تقسیم سود حاصل از بهره‌برداری تجاری، بین همه کشورها به عنوان میراث مشترک بشریت، توسط یکی سازمان بین‌المللی تقسیم شود. رییس‌جمهوری ونزوئلا نیز در ابتدای اجلاس ۱۹۸۲ اعلام کرد که دریا نباید به گونه‌ای استفاده شود که تنها عده خاصی از آن بهره ببرند (۱۳). تدوین ماده ۱۳۶ کنوانسیون حقوق دریاهای در این راستا قابل ارزیابی است. مطابق ماده مذکور: ناحیه بستر و زیربستر دریاهای آزاد و اقیانوس‌ها و منابع موجود در آن در محدوده ماورای صلاحیت ملی میراث مشترک بشریت هستند و حفاظت از میراث مشترک به عهده جامعه بین‌المللی، اعم از کشورهای ساحلی، کشورهای محصور در خشکی و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مربوطه می‌باشد، اما این مسئولیت مشترک در میان کشورها متفاوت است، علی‌الخصوص کشورهای ساحلی باید در انجام تعهدات و اعمال حقوق ایجادشده تحت عنوان کنوانسیون حقوق دریاهای، به لحاظ قانونی و توجه به منطقه بستر، بر اساس حسن نیت رفتار کنند. اصول زیر به عنوان اصول حاکم بر مناطق دریایی خارج از صلاحیت و حاکمیت دولت‌ها به قرار ذیل تعیین شدند: ۱- ناحیه جغرافیایی مورد بحث نمی‌تواند موضوع تصاحب و در تعلق ملی دولت‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قرار گیرد (اصل سرزمینی)؛ ۲- استفاده از منابع ناحیه مورد نظر باید در جهت نفع همه بشریت صورت گیرد (اصل اقتصادی)؛ ۳- نواحی جغرافیایی مورد بحث منحصراً برای اهداف صلح‌جویانه استفاده شود (اصل امنیت)؛ ۴- ضرورت‌های حمایت

۲. انتقال دانش دریایی به منظور بهره‌برداری از منابع دریاها: قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲، موضوع انتقال فناوری در قطع‌نامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل، یعنی قطع‌نامه‌های منشور نظام نوین اقتصادی بین‌المللی و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته بود. در این قطع‌نامه‌ها بر تنظیم یک‌رویه و قانون بین‌المللی در این خصوص و اهمیت کمک‌های کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه، اصلاح و سازگاری رویه تجاری حاکم بر انتقال فناوری با نیازهای کشورهای در حال توسعه و جلوگیری از سوءاستفاده از حقوق فروشندگان و توسعه همکاری‌های بین‌المللی تأکید شده بود (۲۰).

در کنوانسیون حقوق دریاها، در بخش یازدهم به انتقال دانش دریایی به منظور بهره‌برداری از منابع دریاها پرداخته شده است. رهیافت کنفرانس سوم حقوق دریاها در زمینه توسعه و انتقال فناوری دریایی برگرفته از رهیافت کلی سازمان ملل متحد در این زمینه بود. از سویی دیگر هرچند ارتباط گسترده‌ای بین توسعه و انتقال فناوری و حقیقت علمی دریایی وجود داشت، اما موضوع انتقال فناوری به مقررات تحقیقات علمی مندرج در فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ محدود نشد، لذا مستقلاً پیگیری و مطالبه شد. بدین‌گونه فصل چهاردهم کنوانسیون، توسط کشورهای در حال توسعه تنظیم شد، هرچند با اکراه کشورهای صنعتی مواجه گردیدند. حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای فصل چهاردهم کنوانسیون به دلیل همین اکراه و مخالفت دول صنعتی علیرغم پیشنهاد صلاحیت حقوق و دادگاه‌های دولت دریافت‌کننده، فصل پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲، یعنی مواد ۲۷۹ تا ۲۹۹ تعیین شد و مهم‌تر آنکه تمایز آشکاری بین مقررات فصل یازدهم کنوانسیون با مقررات مباحثه‌ای و جدلی فصل چهاردهم کنوانسیون ایجاد شد (۲۱)، نکته بسیار مهم در این ارتباط، تمایز بین شروط اعلامی سیاسی فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ که بر نیاز همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه و انتقال فناوری دریایی تأکید می‌ورزد با مقررات

یعنی بخش یازدهم کنوانسیون بوده است. تا سال ۱۹۹۰، حدود ۵۱ کشور کنوانسیون را تصویب نمودند که تقریباً همه آن‌ها از کشورهای در حال توسعه بوده‌اند که یقیناً نفع خود را در تصویب آن می‌دیدند، اما از آنجائی که تصویب کنوانسیون توسط این کشورها در قانونی و اجرایی شدن کنوانسیون تأثیری نداشت، دبیر کل وقت سازمان ملل، خاویر پرز دکوئیلار (Javier Pérez de Cuéllar)، جلسات مشاوره‌ای برای جلب نظر موافق کشورهای صنعتی که مخالف بخش یازدهم کنوانسیون و به تبع آن سازمان مقام بستر دریاها بودند، برای یافتن اصولی بر اساس مشارکت جهانی که موجب حل اختلافات پذیرش کنوانسیون شود، برگزار نمود (۱۸). در پی این جلسات مجمع عمومی سازمان ملل، در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۴، یعنی چند ماه قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲، مقررات خاصی با عنوان پیش‌نویس قطع‌نامه و پیش‌نویس مربوط به اجرای بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ در زمینه حقوق دریاها طی قطع‌نامه ۴۸/۲۶۳، به تصویب رسید (۱۹). مواد موافقت‌نامه، جزء لاینفک کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌باشد که در صورت مغایرت بین کنوانسیون و موافقت‌نامه، مقررات موافقت‌نامه مجرا خواهد بود. این موافقت‌نامه تغییراتی را در بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ ایجاد نموده است. بر اساس قطع‌نامه مورد اشاره، ضرورت وجود یک سازمان بین‌المللی برای مدیریت و اداره منطقه از این واقعیت نشأت گرفت که سرمایه‌گذاران فعالیت‌های بستر دریاها به دلیل وارث بودن همه کشورها در منابع آن، نمی‌توانند حقوق انحصاری بر بخش‌های کف دریا اعمال نمایند و فقط می‌توانند منابع معدنی آن را کشف و بهره‌برداری نمایند. بنابراین قانونگذاری در این باب باید توسط سازمانی انجام می‌گرفت که عام و جهانی باشد. بر این اساس، سازمان مقام بین‌المللی بستر دریاها برای نظارت بر فعالیت‌ها در بستر، طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ توسط سازمان ملل متحد و با تلاش کشورهای گروه ۷۷ تأسیس شد و فعالیت‌های مقام، به وسیله مجمع، شورا، دبیرخانه و کارگزار که از ارکان سازمان هستند، انجام می‌گیرد.

الزام‌آور حقوقی و تکنیکی فصل یازدهم کنوانسیون و ضمیمه‌ی سوم آن است.

مطابق کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌ها مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار تلاش مؤثر خویش را جهت طراحی برنامه‌های همکاری فنی برای انتقال انواع فناوری دریایی به دول نیازمند و درخواست‌کننده این کمک‌ها، کشورهای بدون ساحل و دیگر دول در حال توسعه‌ای که توانایی ایجاد فناوری در علوم دریایی و در اکتشاف و بهره‌برداری منابع دریایی را دارا نیستند، به کار خواهند بست. بر اساس ماده ۲۶۶ کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان اولین ماده فصل چهاردهم کنوانسیون، «دولت‌ها مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی در زمینه ترویج توسعه و انتقال علوم دانش فنی دریایی بر اساس شرایط مناسب و معقول همکاری می‌کنند، ضمن آنکه پیشنهاد نهایی که در کمیته سوم کنفرانس حقوق دریاها که به موضوعات تحقیقاتی دریایی و انتقال فناوری رسیدگی می‌نمود، انتقال فناوری را بر اساس شروط و قیمت‌های منطقی و منصفانه» مورد تأکید قرار داد و بر تسریع اقتصادی و اجتماعی دول در حال توسعه تأکید نمود؛ این ماده، خواهان نظم اقتصادی بین‌المللی عادلانه و معقولی است که منافع و نیازهای دول در حال توسعه چه دول ساحلی و چه دول بدون ساحل در نظر گرفته شود. بند ۱ ماده ۲۶۶ به همکاری دول به طور مستقیم در قالب سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در زمینه توسعه و انتقال فناوری تأکید می‌ورزد و بند دوم آن بر کمک‌های تکنیکی به دولی که آن را نیاز دارند یا درخواست می‌کنند مخصوصاً دولت‌های در حال توسعه تأکید می‌ورزد. از زمان تصویب فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، سازمان‌های بین‌المللی متفاوتی متعهد به اجرای این فصل از کنوانسیون شدند (۱۹).

تا چند دهه گذشته، به دلیل فقدان فناوری لازم در بهره‌برداری از منابع غنی و سرشار اعماق دریاها و تأمین نیازهای بشری از طریق مناطق خارج از دریاها، اهمیت این منابع ناشناخته بود، اما از یک قرن پیش، هنگامی که کشتی اکتشافی چلنجر موفق به کشف کلوخه‌هایی به اندازه سیب‌زمینی در سطح بزرگی از بستر دریاها و در اعماق ۳۵۰۰

متری دریا شد، اهمیت این معادن سرشار و غنی و نقشی که در توسعه و تحول کشورها می‌توانست ایفا نماید، آشکار شد (۱۹). بنابراین با رشد و پیشرفت فناوری از یکسو و انحصار این فناوری در دست عده محدودی از کشورها از سوی دیگر، عملاً شکاف عمیقی بین کشورهای دارنده این فناوری و اکثریت کشورهای جهان به وجود آمد. بر همین اساس، کشورهای در حال توسعه به تدوین چارچوبی حقوقی جهت متعهدکردن کشورهای بهره‌مند از این فناوری و ایفای حقوق خویش برآمدند و این‌گونه بود که در نظام نوین اقتصادی بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۸۲ با رویکرد ویژه بر میراث مشترک بشریت (فصل یازدهم) و توسعه و انتقال فناوری دریایی (فصل چهاردهم) تدوین شد (۲۲).

علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین اقدام مقامات در انتقال فناوری دریایی مطابق کنوانسیون حقوق دریاها، تأسیس صندوق وقف از سوی مقام بهره‌برداری از میراث مشترک بشریت است. صندوق وقف برای تحقیقات علمی دریایی می‌باشد که در دوازدهمین جلسه سال ۲۰۰۶، مجمع با توصیه و پیشنهاد شورا و کمیته مالی، از دبیر کل خواست تا یک صندوق اعطایی یا وقف برای تحقیقات علمی دریایی تأسیس کند. هدف از تأسیس این صندوق، ترویج و تشویق تحقیقات علمی دریایی در منطقه، به نفع بشریت و کشورهای در حال توسعه و به موجب حکم ماده ۱۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌باشد. فعالیت‌های صندوق به طور خاص، برای حمایت و پشتیبانی از کشورهای در حال توسعه در فعالیت‌های مربوط به بستر می‌باشد که برای انجام اهداف سازمان، فقط بهره و سود صندوق مورد استفاده قرار می‌گیرد. صندوق توسط دبیرخانه سازمان اداره می‌شود.

در واقع هدف از صندوق وقف، کمک به پیشرفت اکتشافات و بهره‌برداری از بستر توسط کشورهای در حال توسعه است، به همین دلیل از طرف صندوق کمک‌هایی برای اهداف معینی انجام می‌شود، از جمله اقدامات انجام‌شده مشارکت دانشمندان مجرب و پرسنل فنی همه کشورهای در حال توسعه در برنامه تحقیقات علمی دریایی یا همکاری‌های علمی و برنامه‌های آموزشی و مساعدت‌های فنی به این کشورها می‌باشد. مقام از

۲-۳. تأکید بر رعایت حقوق و منافع دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری: انواع اشکال همکاری در زمینه انتقال فناوری که در ماده ۲۶۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ آمده است، بیانی از اصول کلی مندرج در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴ م.) بدون لطمه و زیان به حقوق دارندگان مالکیت فکری، ثبت اختراع و نظایر آن است، از جمله این همکاری‌های عبارت‌اند از کنفرانس‌ها، سمینارها و سمپوزیوم‌ها و موضوعات علمی و فناوری تبادل دانشمندان و فناوری و سایر کارشناسان، انعقاد قراردادهای، توافقی‌ها و سایر ترتیبات مشابه بر اساس شرایط متعارف و منصفانه (۲۳). در واقع بر اساس موافقت‌نامه اجرایی ۱۹۹۴، علاوه بر حذف اجبار به انتقال فناوری، این امر بر اساس شرایط مناسب تجاری از بازار آزاد و یا از طریق ترتیبات سرمایه‌گذاری مشترک صورت می‌پذیرد. بنابراین خارج از تعهد و الزام رسمی و حقوقی صرفاً همکاری و یا مشارکت داوطلبانه دولت‌ها در این خصوص حالت اجرایی یافته است. مطابق ماده ۲۶۷ کنوانسیون حقوق دریاهای، دولت‌ها در توسعه همکاری بر این اساس باید همه حقوق منافع مشروع شامل حقوق و تکالیف دارندگان، ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی را رعایت نمایند. تمرکز عمده این ماده بر کشورهای صنعتی و ایجاد تعادل بین حقوق و منافع این کشورها با کشورها دریافت‌کننده فناوری است و برخلاف مواد دیگر فصل چهاردهم کنوانسیون، ماده ۲۶۷ نوعی لسان تعهدآمیز دارد، اما هیچ‌گونه تلاشی که منظور از منافع مشروع و حقوق و تکالیف دول مرتبط را روشن و آشکار سازد، صورت نگرفت، لذا در هر مورد باید اوضاع و احوال مربوط مور لحاظ و بررسی قرار گیرد و هر اختلافی ناشی از اجرای ماده مزبور که در حقیقت به تمام فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ برمی‌گردد، به موجب فصل پانزدهم کنوانسیون که شامل ماده ۲۹۵ (توسل و طی طرق جبران خسارت و مراجع صالح داخلی) نیز می‌شود، حل و فصل می‌شود. از سویی دیگر مفهوم کشورهای در حال توسعه با کمتر توسعه‌یافته در رویه و عمل سازمان ملل متحد شناخته می‌شود و توافقات مربوط به انتقال فناوری با این

بهره صندوق برای بالابردن سطح آگاهی کشورهای در حال توسعه از بستر، استفاده می‌کند، اما این اقدامات به معنای انتقال فناوری دریایی به کشورهای در حال توسعه نیست.

۳. محدودیت انتقال فناوری ناشی از مالکیت معنوی با اصل بهره‌برداری همگانی از میراث مشترک بشریت: در مبحث پیشین به انتقال دانش دریایی به منظور بهره‌برداری از منابع دریاهای در کنوانسیون حقوق دریاهای پرداخته شد. در این مبحث تلاش شده به بررسی این موضوع مهم پرداخته شود که در کنوانسیون حقوق دریاهای، دو موضوع مهم: ۱- عدم انتقال اجباری فناوری دریایی؛ ۲- تأکید بر رعایت حقوق و منافع دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری سبب عملاً باعث عدم تحقق مفهوم و اصل میراث مشترک بشر شده و قواعد حقوق مالکیت معنوی عملاً با این اصل را محدود می‌کند.

۱-۳. عدم انتقال اجباری فناوری دریایی: در مبحث پیشین تلاش شده سازوکار توسعه و انتقال فناوری دریایی در سیستم بهره‌برداری از اعماق دریاهای بررسی شود. نتایج بررسی این سازوکارها بیانگر این امر است، علیرغم تلاش‌ها برای انتقال دانش و فناوری دریایی در قالب تأسیس مقام بهره‌برداری از منابع و میراث مشترک بشریت، اما محدودیت‌های اساسی در این زمینه وجود دارد که ناشی از حقوق مالکیت معنوی است. بر اساس ماده ۳۰۲ کنوانسیون حقوق دریاهای، هر دولتی می‌تواند از ارائه اطلاعاتی که افشای آن بر ضد منافع اساسی امنیت آن است، خودداری نماید و این امر عملاً می‌تواند فلسفه وجودی فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲ را از حیز انتفاع ساقط نماید (۲۰). همکاری در انتقال فناوری دریایی مندرج در ماده ۲۶۹ کنوانسیون ۱۹۸۲، حاکی از لزوم طی گام‌های لازم و ضروری برای ایجاد یک سیستم مؤثر انتقال فناوری دریایی علیرغم تمایل کلی مجمع عمومی ملل متحد و دیگر مجموعه‌های مرتبط با مصالح انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه، در حال حاضر بیشتر جنبه همکاری بین‌المللی دارد تا اینکه یک تعهد رسمی و الزام حقوقی باشد.

عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری و تضمین حقوق دارندگان حق اختراع، کپی‌رایت و دیگر اشکال مالکیت فکری مندرج در ماده ۳۶۷ است، هرچند در ماده مورد اشاره بر ضرورت دستیابی به اهداف آموزشی برای اتباع دول در حال توسعه و تربیت آن‌ها به عنوان متخصصان فنی، تحقیقاتی، مدیریتی، اداری و در دسترس قرارگرفتن اسناد و مدارک فنی مربوط به تجهیزات، ماشین‌آلات، وسایل و مراحل فنی مربوطه به ویژه توسط دول در حال توسعه وضع مقررات کافی و مناسب جهت تسهیل دستیابی به کمک فنی در زمینه فناوری دریایی و دستیابی اتباع آن‌ها به مهارت‌ها، اشاره شده، اما در عین حال بر رعایت حقوق دارندگان حق اختراع، کپی‌رایت و دیگر اشکال مالکیت فکری تأکید شده است.

مواد نهایی فصل چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، به ایجاد مراکز فناوری و علمی دریایی منطقه‌ای و علمی و وظایف آن‌ها می‌پردازد ایجاد مراکز ملی تحقیقات فناوری و علمی دریایی و تقویت مراکز ملی موجود به منظور تحرک و پیشبرد انجام تحقیقات علمی دریایی به وسیله کشورهای ساحلی در حال توسعه و افزایش توانایی اتباع آن‌ها برای استفاده و حفظ منابع دریایی خود در جهت منافع اقتصادیشان به عمل می‌آید، اما این امر مانند آنچه که در ماده ۲۷۷ آمده است، البته همانند دیگر مواد فصل چهاردهم کنوانسیون، بیشتر ماهیتی اعلامی و همکاری دارد تا یک تعهد و الزام رسمی و حقوقی (۱۹)، هرچند هر یک قالب وسیعی برای اقدام به همکاری در این‌گونه زمینه‌ها ارائه می‌دهد که تا قبل از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هیچ‌گونه رویه یا سابقه‌ای که راهنمای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات مراکز منطقه‌ای در این‌گونه موارد باشد، وجود نداشت (۱۸).

در کل بر اساس آنچه گفته شد، محدودیت انتقال فناوری ناشی از مالکیت معنوی با اصل بهره‌برداری همگانی از میراث مشترک بشریت در تعارض است. میراث مشترک بشریت بر تعلق منابع بستر و زیربستر دریاها خارج از حاکمیت دولت‌ها، به همگان دلالت دارد. این در حالی است که این کشورهای توسعه‌یافته هستند که به دلیل بهره‌مندی از دانش دریایی امکان بهره‌برداری از منابع موجود در عمق اقیانوس‌ها را دارند

کشورها، اساساً و لزوماً مشمول کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ حقوق معاهدات نمی‌شوند (۱۹)، اما الزام و رعایت منافع مشروع و حقوق و تکالیف دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان فناوری دریایی لازم و ضروری است. نکته مهم‌تر دستیابی به فناوری مناسب دریایی از سوی چنین کشورهایی است بدان جهت که در اغلب موارد فناوری‌های خیلی پیچیده و پیشرفته یا تخصص‌های به روز و مدرن اساساً بهترین انتخاب برای نیازهای کشورهای در حال توسعه نیستند، چراکه فناوری‌های ساده‌تر به دلیل ایجاد نوعی تعادل در بهره‌برداری و عملیات مورد انتظار از سوی این‌گونه کشورها و یا سطح مهارت‌ها و تخصص‌های نیروهای بومی و محلی، مناسب‌تر به نظر می‌رسند. در زمینه آموزش و تعلیم اتباع کشورهای در حال توسعه سازمان بین‌المللی دریانوردی (ایمو) با ایجاد دانشگاه دریانوردی جهانی در ژوئیه ۱۹۸۳ و مؤسسه حقوقی دریایی بین‌المللی ایمو در سپتامبر ۱۹۸۹، قدم‌های مثبت و مؤثری را در این خصوص برداشته است. بر این اساس دولت‌ها باید تلاش نمایند تا اقداماتشان شامل برنامه‌های جهانی و منطقه‌ای به لحاظ منابع و نیازهای دول در حال توسعه خصوصاً دول بدون ساحل یا در شرایط جغرافیایی نامساعد و هماهنگ یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار باشد، با توجه به قواعد حقوق مالکیت معنوی باشد.

عملیات مقام بین‌المللی در ارتباط با انتقال فناوری به طور کلی در ماده ۱۴۴ کنوانسیون حقوق دریاها ذکر شده و ماده ۲۷۳ فصل چهاردهم کنوانسیون با ذکر مقام بین‌المللی در کنار سایر سازمان‌های بین‌المللی صلاحیتدار موقعیت ویژه و منحصر به فردی را در زمینه انتقال فناوری دریایی بدان اعطا نموده است. همچنین ماده ۲۷۴ فصل چهاردهم در لسان یک برنامه عملیاتی، اشاره به برخی تعهدات و وظایف مقام بین‌المللی در ارتباط با انتقال فناوری دریایی به واسطه فعالیت‌هایش در منطقه و با اولویت‌قراردادن نیازهای دولت در حال توسعه در این خصوص می‌نماید، اما اینکه مقام بین‌المللی و ارگان‌هایش چگونه آن برنامه‌ها را اجرا خواهند نمود، اشاره‌هایی ندارد. نکته قابل توجه در این ماده تأکید دوباره بر رعایت کلیه منافع مشروع و حقوق تکالیف دارندگان،

از اموال فکری، به افزایش میزان انتقال می‌انجامد، در حالی که واگذاری فناوری در صنایع نیمه‌رسانا، وابستگی چندانی به این سطح از حمایت ندارد. سبب این امر آن است که در صنایع اخیر، به عکس حوزه‌های نخست، مرزهای دانش، چندان روشن نیست و از این رو سیستم حمایتی قدرتمند از اختراعات نیز نمی‌تواند نقشی فعال ایفا کرده و مانع از سوءاستفاده و تقلید در چنین موقعیتی باشد (۲۴).

برخی از تحلیلگران معتقدند که بهترین گزینه در برقراری تعامل مطلوب میان نظام‌های مالکیت فکری و انتقال فناوری، اتخاذ سیاست حمایتی میانه است، به نحوی که منافع طرفین انتقال فناوری را برآورده سازد، زیرا حمایت شدید از دارایی‌های فکری، راهی یکسویه است که تنها به منافع کشورهای صاحب فناوری ختم می‌شود و به قدرت انحصاری آن‌ها دامن می‌زند و از دیگرسو، حمایت ضعیف نیز اثر نامطلوبی بر جریان انتقال فناوری داشته و تقلید ناروا و تقلب را ترویج کرده و فرصت‌های همکاری را مخدوش می‌کند (۲۵). اگرچه پذیرش الزامات بین‌المللی در عرصه مالکیت‌های فکری و همسویی با هنجارهای موجود تا حدود زیادی ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید، اما در این طریق، باید با تدبیر عمل نمود و ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های مطلوب در این عرصه، از همه تمهیدات و ابزارهای کنترلی، چه در داخل نظام مالکیت فکری بین‌المللی و چه در خارج آن، استفاده نمود تا راهبرد حمایت از دارایی‌های فکری، همگام با ترجیحات و مطلوبات حوزه انتقال فناوری گردد. از دیگرسو، تلاش برای بهبود و اصلاح نظام مالکیت فکری به ویژه موافقت‌نامه تریپس و چانه‌زنی برای گرفتن امتیازات بیشتر، باید در صدر کوشش‌های کشورهای خواهان فناوری قرار گیرد. افزون بر این، نباید از خاطر دور داشت که رایزنی با کشورهای توسعه‌یافته و جلب اعتماد آن‌ها از طریق پیش‌بینی یک سیستم حمایتی کارا و پایبندی به اجرای استاندارد آن نیز علاقه بیشتری را در دارندگان فناوری به انتقال مایملک خود برمی‌انگیزد.

و کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم توانایی در خرید و به کارگیری این فناوری‌ها نمی‌توانند از میراث مشترک بشریت مستقیماً بهره‌مند شوند. به لحاظ علمی و به دلیل فقدان فناوری لازم در کشورهای در حال توسعه و محدودیت‌های انتقال دانش دریایی، در نتیجه حقوق مالکیت معنوی، این کشورهای توسعه‌یافته هستند که منتفع اصلی و مستقیم بهره‌برداری و استفاده از اعماق دریاها و منابع موجود در آن هستند. به هر حال میراث مشترک بشریت، کماکان به دلیل بهره‌مندی کشورهای صنعتی از دانش و فناوری دریایی در اختیار این کشورها قرار دارد و کشورهای در حال توسعه هنوز نتوانسته‌اند این روند را متوقف نمایند. در حقیقت کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان دانش دریایی، امکان بهره‌برداری از منابع میراث مشترک بشریت را ندارند. انتقال دانش دریایی به این کشورها به دلیل اینکه تحت حمایت قواعد مالکیت معنوی است امکان‌پذیر نبوده و در عین حال کشورهای در حال توسعه امکان خرید فناوری دریایی را نداشته، بنابراین حقوق مالکیت معنوی دانش دریایی عملاً در تقابل و تعارض با اصل بهره‌برداری همگانی از میراث مشترک بشریت است.

به نظر می‌رسد بهترین راهکار در زمینه حقوق مالکیت معنوی و میراث مشترک بشریت، تلاش برای اتخاذ یک سازوکار میانه است. با حمایت حداقلی از اموال فکری، امکان تقلید و نمونه‌برداری از فناوری فراهم می‌آید، اما این امر، اگرچه منافع کوتاه‌مدت را تأمین می‌کند، ولی به بی‌اعتمادی دارندگان فناوری دامن زده و تمایل آن‌ها به انتقال فناوری‌ها پیچیده را تنزل می‌دهد. از سوی دیگر، در صورت قوت رژیم حمایتی، انتقال‌دهنده قدرت چانه‌زنی بیشتری دارد و با وضعیت انحصاری‌ای که پیدا می‌کند، منافع سرشاری از میراث مشترک بشریت به دست می‌آورد. شواهدی در حوزه قراردادهای بین‌المللی انتقال فناوری حکایت از آن دارد که ماهیت فناوری‌های منتقله نیز تابعی از شدت و ضعف ابزارهای حمایتی است. در صنایعی که دربردارنده فناوری برتری هستند، نظیر ابداعات دارویی و مواد شیمیایی، حمایت افزون‌تر

نتیجه‌گیری

برای اینکه میراث مشترک بشریت، یک اصل حقوقی باشد، باید با سازکارهای قوی، تقویت شود. مناطقی که به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته می‌شود، باید با سازکارهای خاصی که برای هر منبع معین می‌شود، تحت نظارت و کنترل قرار گیرد، ضمن اینکه همه کشورها بتوانند عادلانه از منابع میراث مشترک بشریت بهره‌مند شوند، اما محدودیت انتقال دانش فنی دریایی چنین امکانی برای همگان به ویژه کشورهای جهان سوم فراهم نمی‌کند. نتایج نشان داد که حمایت از حقوق فکری از اولویت‌های سیاستگذاری حقوقی در توسعه همه‌جانبه به شمار می‌آید، اما همین امر انتقال فناوری دریایی را محدود ساخته، لذا استفاده از میراث مشترک بشریت را به صورت عادلانه کاملاً تحت‌الشعاع قرار داده و با حق بهره‌برداری همگان از میراث مشترک بشریت در تعارض است. از میان سازگارهای حمایت از آثار فکری بهترین گزینه در برقراری تعامل مطلوب میان نظام‌های مالکیت فکری و انتقال فناوری، اتخاذ سیاست حمایتی میانه است، به نحوی که منافع طرفین انتقال فناوری را برآورده سازد، زیرا حمایت شدید از دارایی‌های فکری، راهی یکسویه است که تنها به منافع کشورهای صاحب فناوری ختم می‌شود و به قدرت انحصاری آن‌ها دامن می‌زند و از دیگرسو، حمایت ضعیف نیز اثر نامطلوبی بر جریان انتقال فناوری داشته و تقلید ناروا و تقلب را ترویج کرده و فرصت‌های همکاری را مخدوش می‌کند، علاوه بر این، سطح حمایت از مالکیت فکری بسته به نوع و پیچیدگی فعالیت‌ها اقتصادی و بخش‌های مختلف صنایع بایستی متفاوت باشد. برای مثال حمایت از حق اختراع برای صنایعی مثل تولید محصولات شیمیایی، دارو، موتور توربین و الکترونیک اهمیت زیادی دارد، ولی در حوزه‌های مثل چاپ و نشر و آثار سمعی و بصری و نرم‌افزار یا پخش رادیو و تلویزیون سطوح حمایتی حداقلی از حقوق مؤلف در توسعه جامعه کاراست و اعطای حمایت بلندمدت در حقوق مادی آثار نامطلوب به جا می‌گذارد، لذا سطح حمایتی گزینشی باید مبنای مقنن قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

سعیده زراعتکار مغانی: بررسی متون و منابع، تحلیل مطالب، ارائه پلان و نگارش متن.
سیدباقر میرعباسی: ارائه ایده، تحلیل مطالب، ارائه اطلاعات.
ابومحمد عسگرخانی: مرور و بازبینی متن مقاله.
مریم مرادی: ویرایش نهایی مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Wei G. The TRIPS Agreement Does Little to Promote the Development of Technology Transfer to Developing Countries. *Management Science and Engineering*. 2009; 3(3): 12-22.
2. Edris K. Intellectual Property a Power Tool for Economic Growth. 1st ed. Geneva: World Intellectual Property Organization; 2003. p.10.
3. Fadzi P, Khalil M. Explanation of the interaction between intellectual property systems and the right to develop (master's thesis in the field of intellectual property). 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University Law School; 2018. p.100. [Persian]
4. Tamiotti L. Trade and Climate Change a Report by the United Nations Environment Program and the World Trade Organization. first edition. Geneva: World Trade Organization; 2009. p.44.
5. Segger MC, Reynal M. Beyond the Barricades the Americas Trade and Sustainable Development Agenda. 1st ed. Boston: USA Hgate Publishing; 2005. p.326.
6. Jamali H. The Common Heritage of Humanity Its Concept and Application in International Law. *Private and Criminal Law Research Journal*. 2010; 6(14): 57-92. [Persian]
7. Habibzadeh T, Mansouri F. Rereading the principle of common heritage of mankind and its differences with the concept of common concern of mankind. *Islamic Law Research Journal*. 2013; 14(38): 91-120. [Persian]
8. SohailYousefi A, Zareshoar H. The common heritage of humanity and its economic benefits for the people of poor countries. *Journal of Political Science Studies Law and Jurisprudence*. 2021; 8(1): 557-568 [Persian]
9. Darabpour M. Translation of the Modern Generalities of International Law. 1st ed. Tehran: Jahan Publishing House; 1995. p.255. [Persian]
10. Malkom S, Vaqar MH. International Law. 1st ed. Tehran: Information Publications; 2014. p.36. [Persian]
11. Kazemi SAA. The issue of the inclusion of the new Convention on the Law of the Sea to non-member third countries. *Law Journal*. 1987; 8(2): 55-73. [Persian]
12. MirAbbasi B. Polycopy pamphlet on the international law of the seas. 2nd ed. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University; 2015. p.59. [Persian]
13. Aghaei B. Translation of the International Law of the Seas. 6th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 2010. p.280-281. [Persian]
14. Mousazadeh R. General Public International Law. 1st ed. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Institute; 1994. Vol.2 p.108. [Persian]
15. Aghaei B. Collection of Articles on the International Law of the Seas and Iranian Issues. 2nd ed. Tehran: Ganj-e Danesh; 1995. p.93-94. [Persian]
16. Sharif M. The Common Heritage of Humanity and Its Description as a Prescriptive Rule. *Journal of Law and Politics Research*. 1997; 2(1): 175-181. [Persian]
17. Wälde T, North H. Encyclopedia of Public International Law. 2nd ed. Amsterdam: Elsevier; 2002. Vol.1 p.693.
18. Charney JI. The United States and the revision of the 1982 convention on the law of the sea. *International Lawyear*. 1992; 28(4): 34-47.
19. Churchill Lowe A. International Law of the Seas. Aghaei B. 2nd ed. Tehran: Office of International Legal Services; 1998. Vol.1 p.78. [Persian]
20. Kraska J. Maritime Power and the Law of the Sea Expeditionary Operations in World. 1st ed. Landon: PoLitics Oxford University Press; 2011. p.56.
21. Valencia MJ, Van D. Sharing the Resources of the Sourth China Sea. 3rd ed. London: Martinus Nijhoff Publishers; 1997. p.79.
22. Mumtaz J. The Legal System of Pioneer Investors in the International Seabed Region. *Tehran University School of Law and Political Science Magazine*. 1990; 6(26): 100-121. [Persian]
23. Pournouri M, Habibi M. International Law of the Sea Convention on the Law of the Sea (adopted in 1982). 1st ed. Tehran: Mehr Haqq Publications; 1982. p.139-140. [Persian]
24. Park WG, Lippoldt D. International Licensing and theStrengthening of Intellectual Property Rights in Developing Countries during the1990s. *OECD Journal Economic Studies*. 2005; 23(25): 36-38.
25. Scott T. TRIPS Trade and Technology Transfer. *The Canadian Journalof Economics*. 1993; 26(3): 636-379.